

دانشگاه فرهنگیان
فصل نامه علمی-ترویجی آموزش پژوهی
سال هفتم، شماره بیست و پنجم، بهار 1400

تأملی آینده‌پژوهانه بر تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران

علی صحبت‌لو¹، مهدی نادری²

پذیرش: 99/10/18

دریافت: 99/01/16

چکیده

تربیت حرفه‌ای در ایران از فقر پژوهشی به‌ویژه در حوزه‌ی پژوهش‌های بنیادی و کاربردی به معنای کاربرد نظریه‌ها در حوزه‌ی عمل در تنگنا قرار دارد؛ بنابراین، بدیهی است که این تنگناها مانع از ترسیم آینده تربیت حرفه‌ای در کشور شده است، تا جایی که نمی‌توان در مورد آن تحلیلی نزدیک به نقطه هدف ارائه داد. توجه به این محدودیت و تأکید مطالعه بر مرور پژوهش‌ها و اسناد موجود، نگارندگان را بر آن داشت تا تمام منابع مرتبط با تربیت حرفه‌ای در قالب پژوهش، مرور ادبیات، مقاله، کتاب، توصیه‌نامه‌های بین‌المللی، تجارب تربیت حرفه‌ای سایر کشورها (نگاه تاریخی) را مطالعه نقادی-تحلیلی کرده و نتایج آن را بررسی نمایند. در پایان این نتیجه به دست آمد که نظام آموزش و پرورش حرفه‌ای رسمی در ایران به لحاظ اجرا، مدرسه‌محور است و به لحاظ برنامه‌ریزی از سطح تمرکز بالایی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، تربیت حرفه‌ای، نظام آموزشی ایران.

مقدمه

علاقه فطری انسان به آینده و اندیشه پیرامون آگاهی از وضعیت نهایی جهان، از سوی ادیان الهی نیز مورد توجه قرار گرفته است (باراحمدی خراسانی، 1396). قرآن کریم در زمینه سرنوشت آینده جهان، مستضعفان را وارث و حاکم زمین وعده فرموده (قصص: 50) و همچنین به تصریح می‌فرماید: «خداوند کسانی از شما بندگان که ایمان آورده و نیکوکار گردد وعده فرموده که در زمین خلافت دهد؛ چنانچه امم صالح پیامبران، جانشین پیشینیان خود شدند و افزون بر خلافت دین پسندیده آنان را بر همه ادیان

1. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده مسئول، alisohbatlo@gmail.com

2. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

تمکن و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی هیچ شرک و ریا پرستش کنند و بعد از آن هر که کافر شود به حقیقت همان فاسقان تبهکارند» (نور: 55). حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «پیروزی با دوراندیشی و آینده‌نگری به دست می‌آید» (نهج البلاغه، خ: 45: 1110).

با پیدایش حوزه‌های معرفتی گوناگون در علوم طبیعی و انسانی و رشد تخصص‌گرایی و افزایش عوامل و مسائل اجتماعی، آینده‌پژوهی پا به عرصه و دوران نوینی گذاشت و پس از تلاش‌های «لج جی ولز»^۱ در پیش‌بینی و طراحی آینده، «فلیچ‌هایم»^۲ آینده‌نگر آلمانی در سال 1943 اصطلاح آینده‌شناسی را در زمینه برنامه‌های مربوط به جهت‌گیری جوامع نسبت به آینده ارائه نمود (پدرام، 1388). به تدریج آینده‌پژوهی به حوزه مسائل نظامی نیز کشیده شد. «تودور کارمان» در آثاری نظیر «به سوی افق‌های تازه» و «درباره جنگ گرما هسته‌ای» به این دیدگاه پرداخت. در گام‌های بعدی دانشمندان همچون «برتراند دوژو ونل»^۳ آینده‌پژوهی را به سوی کسب شالوده‌های عقلانی و فلسفی سوق دادند (بل، 2003).

«آینده‌پژوهی»^۴ یا آینده‌شناسی که می‌توان آن را علم آینده نیز نام‌گذاری کرد، نوعی دوراندیشی است که به دنبال آن است تا تغییرات امروز به واقعیات فردا تبدیل شوند و بررسی نماید که آیا احتمال و امکان تغییرات مورد نظر وجود دارد؟ (علیزاده و دیگران، 1387). آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با واکاوی منابع، الگوها و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب‌دهنده چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر (یا ثبات) «امروز» است. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» برای دگرگونی از حال به آینده هستند (وحیدی مطلق، 1389).

آینده‌پژوهی نوعی دوراندیشی است که احتمالات امروز را به واقعیات فردا تبدیل می‌کند. آینده اساساً دارای عدم قطعیت است. با این همه رگه‌هایی از اطلاعات و واقعیات‌ها که ریشه در گذشته و اکنون دارند، می‌توانند رهنمون ما به آینده باشند. «آینده‌پژوهی از جسارت، قدرت تطبیق و شم قوی در پیش‌بینی اتفاقات برخوردار است» (خنifer، 1398: 143).

در تصمیم‌گیری به‌حرف چندین آینده‌محتمل بر اساس تجارب گذشته وجود دارد، و اگر از رصد تغییرات آنی غفلت شود با تلخ‌کامی روبرو خواهیم شد. عدم قطعیت نهفته در آینده برای برخی، توجه‌کننده‌ی نداشتن دوراندیشی آنان است و برای عده‌ای دیگر منبعی گران‌بها از فرصت‌هاست.

1. H.G.Well
2. Future studies

سرعت تغییرات آنچنان سرسام‌آور که دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی با آنها کنار آمد. اگر با تغییرات به صورت منطقی همگام نشوید، زیر چرخ عظیم تغییر خرد خواهید شد. اما آیا امکانی برای آگاهی یافتن از آینده برای ما وجود دارد؟ قطعاً در مورد آینده «یقینی» وجود ندارد و این از اصول آغازین آینده‌شناسی است. اصل دیگری هم وجود دارد که: انسان می‌تواند در سرنوشت آینده تأثیرگذار باشد. آینده‌شناسی از این منظر دانش شناخت تغییرات است. شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز هر انسانی است (خوش دهان، 1388). امروزه دانش «آینده‌پژوهی»، «آینده‌شناسی»، «آینده‌کاوی» به‌عنوان یک روش پژوهش بسیار ارزشمند و برافق‌های سه‌گانه افق باز، افق دور و افق روشن است (خنیفر، 1392: 306-304).

در آثار برخی از اندیشه‌گران معاصر نیز نظریاتی در قالب آینده‌پژوهی مطرح شده است. برای مثال تافلر در کتاب «شوک آینده» به این موضوع اشاره می‌کند. برنامه‌ریزی برای آینده دور به معنای وابسته کردن خود به برنامه‌های خشک و جزمی نیست. برنامه‌ها را می‌توان طوری تنظیم کرد که حالت آزمایشی و سیال داشته باشند و بتوان آنها را پیوسته مورد تجدیدنظر قرار داد. ولی انعطاف‌پذیری به معنای کوتاه‌بینی نیست. برای فرا گذشتن از تکنوکراسی، افق‌های زمان ما از نظر اجتماعی باید از فراز دهه‌ها و حتی نسل‌ها بگذرد و به آینده پرواز کند. این کار بیشتر به طولانی‌تر کردن برنامه‌های رسمی نیاز دارد. باید یک آینده آگاهی اجتماعی جدید را به صدر تا ذیل جامعه تزریق کرد (تافلر، 1373: 673).

اگر آینده را از سنخ امور مبهم بدانیم، یکی از جذاب‌ترین گرایش‌های بشر، آگاهی بر آینده و اسرار مبهم بوده است. از نخستین روزهای خلقت، تمام روش‌های پیش‌گویی با شیوه‌های گوناگون در پی ترسیم و تصویرسازی آینده برای جوامع انسانی بوده‌اند. برای نمونه، مهم‌ترین راه‌های کسب معرفت پیرامون آینده از دیرباز تا به امروز مشتمل بر ستاره‌بینی¹، پیش‌گویی² و پیش‌نگری³ بوده است. ستاره‌بینی از این حیث اهمیت داشته که بشر ارتباطی میان حرکات ستاره‌ها و زندگی انسان‌ها احساس می‌کرده و بر این باور بوده که میان آسمان و زمین نوعی هماهنگی و ارتباط وجود دارد. در واقع، ستاره‌بینی یک سیستم هشدار اولیه برای اجتناب از مخاطرات آینده و کنترل آن بوده است (عنایت الله، 2007). افزون بر این، نمونه‌هایی دیگر از روش‌های پیش‌بینی و غیب‌گویی⁴ مثل تعبیر خواب و رؤیا⁵، غیب‌گویی و

1. Astrology
2. Prophecy
3. Prediction
4. Prophecy
5. Oneiromancy

آینده‌خوانی از روی شعله‌های آتش¹، ترک برداشتن استخوان کتف حیوانات² و بسته شدن پنیر³ شناسایی شده است (بل، 2003). گفتنی است که امروزه نیز بسیاری از افراد در سراسر جهان به این روش‌های سنتی همچنان پایبند هستند. اولین نشانه‌های توجه عالمانه بشر به آینده را در عصر روشنگری می‌توان دید. یعنی زمانی که بشر به این نتیجه رسید که علوم طبیعی برای هر مسأله راه حلی خواهند یافت و حرکت عالمانه‌تر در عرصه‌ی آینده‌پژوهی از اوایل دهه‌ی بیستم آغاز گردید. مطالعات این حوزه در طی دهه‌ی 70 میلادی با تأسیس مجامع معتبر آینده‌پژوهی، وارد عرصه‌ی جدیدی گردید. امروزه، آینده‌پژوهی در مراکز تحقیقاتی، دانشگاهی و سیاسی گسترده‌ای همچون انجمن جهانی آینده مطالعه می‌شود و از قالب‌هایی کهن و غیرعلمی گذشته فاصله گرفته و به مجموعه‌ی گسترده‌ای از روش‌های نظام‌مند، همچون پیمایش‌های دلفی⁴، تحلیل روند⁵، پانل‌های خبرگان⁶، طراحی سناریو⁷ تبدیل شده است (همان).

توجه به نقش و اهمیت تربیت حرفه‌ای⁸ در توسعه اقتصادی، سه دهه پس از تدوین نظریه سرمایه انسانی توسط کشورهای توسعه‌یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه شناخته شد و بسیاری از این کشورها در برنامه‌ریزی‌های ناظر بر توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زمینه تربیت حرفه‌ای را مورد توجه قرار داده و به اصلاح نظام آموزشی اهتمام ورزیدند. با توجه به رشد بسیار سریع فناوری و ظهور پدیده جهانی شدن در سه دهه آخر قرن بیستم، به‌ویژه در دهه 1990، بر اهمیت تربیت حرفه‌ای و نقش کلیدی آن در توسعه اقتصادی تأکید شد. امروزه هم در نظریه و هم در عمل نیروی انسانی ماهر و تربیت‌یافته سرمایه اصلی برای توسعه همه‌جانبه کشورها شناخته شده است و اصطلاح توسعه منابع انسانی برای آن به کار برده می‌شود. در یک نگاه کلی شاهد آن هستیم که در نظام آموزشی ایران در دوره‌های زمانی مختلف با تصمیمات لحظه‌ای مسئولان، تربیت حرفه‌ای رشد یافت و یا رکود داشته است. در این فراز و نشیب‌های عمدتاً بدون پشتوانه منطقی، گاه نظام تربیت حرفه‌ای با انتقادات تندی نیز از سوی برخی از صاحب نظران تعلیم و تربیت کشور مواجه شده است. برای مثال خلایقی (1388) بر این باور است که

1. Pyromancy
2. Scapulimancy
3. Tyromancy
4. Delphi Bluealey
5. Trend analysis
6. Expert panels
7. Scenario planning
8. Vocational Education

تربیت حرفه‌ای در ایران در بستر تحولات اقتصاد داخلی و متناسب با نیازهای بومی شکل نگرفته است، بلکه از مقتضیات، تحولات و منافع اقتصادی و سیاسی غرب تبعیت کرده است.

بررسی‌ها نشان‌دهنده آن است که در کشور ما اصلاح نظام آموزشی و توسعه برنامه‌های تربیت حرفه‌ای در طول یک قرن گذشته مورد توجه بوده، اما این دغدغه در دهه 1360 همزمان با طراحی نظام جدید آموزش متوسطه به اوج خود رسید و با تأسیس شاخه کاردانش در دهه 1370 سهم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در نظام جدید آموزش متوسطه افزایش یافت. رویکرد اصلی حاکم بر شاخه کاردانش آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به بازار کار و اشتغال در مشاغلی بوده که برنامه‌های درسی این شاخه بر مبنای تجزیه و تحلیل آنها تدوین شده بود. با وجود افزایش جمعیت دانش‌آموزی، تشخیص نیازهای واقعی و جلب همکاری و مشارکت وزارتخانه‌ها و بخش‌های دیگر دولتی و غیردولتی برای توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، با موفقیت همراه نبوده و بر خلاف طرح اولیه، بار اصلی این آموزش‌ها بر دوش آموزش و پرورش قرار گرفت و وزارت آموزش و پرورش در اثر کمبود منابع و سایر عوامل بازدارنده، نتوانست این بار سنگین را سالم به مقصد برساند. در نتیجه، برخی از علائم خطر درباره برنامه کاردانش آشکار شده است و به نظر می‌رسد انگیزش و تعهد گروه‌های ذی‌نفع برای حمایت از برنامه کاردانش، به تدریج کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد کاردانش هم نتواند نسخه‌ای شفاف‌بخش برای نظام آموزش متوسطه ایران باشد.

بیش از یک قرن تجربه‌ی اجرای برنامه‌های تربیت حرفه‌ای، برخی از شواهد پژوهشی بر وجود چالش‌های عمده، مشکلات پیچیده و نارسایی‌های متعدد در حوزه تربیت حرفه‌ای رسمی دلالت دارند. همچنین، برخی از کارشناسان آگاه، به نامطلوب بودن وضع تربیت حرفه‌ای اذعان دارند. اگر این نگرانی واقعیت داشته باشد - که دارد - صاحب‌نظران و مسئولان نظام آموزشی را به اندیشیدن، طراحی و تغییر وضع نامطلوب موجود فرامی‌خواند.

با این حال، تدوین هر اندیشه اصلاحی در زمینه تربیت حرفه‌ای، با در نظر گرفتن تاریخچه این آموزش‌ها و تجارب گذشته، وضع موجود و آینده کشور و نیز تحولات روزافزون تکنولوژی در سطح جهان امکان‌پذیر است. بنابراین، شناسایی چالش‌ها و عوامل بازدارنده، ضروری به نظر می‌رسد و از این راه می‌توان رویکرد مناسبی اتخاذ کرد. در سطح بین‌المللی سه نوع رویکرد عمده بر تربیت حرفه‌ای حاکم بوده است:

- رویکرد آماده‌سازی دانش‌آموزان برای یک شغل خاص.
- رویکرد آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زمینه‌های عام شغلی.
- رویکرد کل‌نگر و تلفیقی در فرایند یاددهی و یادگیری (عنایت‌الله، 2007).

این رویکردها که متناسب با شرایط زمان و موقعیت اقتصادی-اجتماعی کشورها توسط نظام‌های آموزشی اتخاذ شده‌اند، مصادیق مفهوم تربیت حرفه‌ای هستند. در عین حال، تمایز این رویکردها به حدی است که اتخاذ هر یک به شرایط خاصی وابسته است. در واقع، تحلیل هزینه-فایده تجویز هر سه رویکرد برای شرایط واحد بسیار متفاوت است. جایی که یکی از این رویکردها مناسب ارزیابی شود، اتخاذ رویکرد دیگر می‌تواند پیامدهای زیان‌باری داشته باشد. در واقع، این سه رویکرد در یک فرایند تکاملی شکل گرفته و در طی چند دهه اخیر از رویکرد اول به رویکرد سوم تحول پیدا کرده است. نفیسی (1378) در هنگام بررسی نارسایی‌های ارتباط نظام‌های آموزش و پرورش و بازار کار نتیجه گرفت که گسترش تربیت حرفه‌ای اصولاً از نیازهای فعلی و آتی بازار کار نشأت نمی‌گیرد، بلکه بیش از هر چیز از امکانات مالی، انسانی و کالبدی تبعیت می‌کند و اجرای برنامه‌های تربیت حرفه‌ای بیشتر متأثر از تقاضای اجتماعی صورت می‌پذیرد که در اثر آن، مرزبندی کمی و کیفی که در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی باید رعایت شود، از میان می‌رود.

همچنین در سال‌های اخیر، مناسب بودن مفروضه‌های رویکرد حرفه‌گرایی سنتی نیز که غایت آن آماده کردن افراد برای اشتغال در مشاغل خاص است، مورد تردید قرار گرفته و مهارت‌آموزی در محیط مدرسه در بسیاری از کشورهای پیشرفته منسوخ شده‌است و امروزه با ظهور پارادایم حرفه‌گرایی جدید، به جای آموزش مهارت‌های ویژه بر پرورش ویژگی‌های شخصیتی پایه، مهارت‌های غیرفنی و شالوده‌های مهارت‌های حرفه‌ای تأکید می‌ورزند. حرفه‌گرایی جدید و دیدگاه‌های ناظر بر آن، رویکرد جدیدی در تربیت حرفه‌ای مطرح کرده است که بر اساس آن آماده‌سازی فراگیران برای یک شغل خاص به رویکرد آماده‌سازی عموم جوانان برای سازگاری مؤثر با دنیای کار و مشاغل دانش‌محور تغییر یافت. زیرا، تربیت افراد برای یک حرفه معین توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و در حال تغییر اقتصادی و اجتماعی را نداشت و از سوی دیگر با محدود کردن توانایی‌های انتخاب افراد، انطباق آنها با تغییرات فناوری و در نتیجه آینده شغلی‌شان را در معرض خطر قرار می‌داد. با وجود این که حرفه‌گرایی جدید به‌عنوان تلاشی در جهت غلبه بر مشکلات و نارسایی‌های حرفه‌گرایی سنتی محسوب می‌شود، موج آن هنوز به ایران

نرسیده و تربیت حرفه‌ای به‌عنوان بخشی از نظام آموزشی و مجزا از آموزش نظری و عمومی جریان دارد (باقری، 1377).

به نظر می‌رسد یکی از مشکلات اساسی نظام آموزشی ایران به تعامل آموزش و پرورش عمومی با دنیای کار برمی‌گردد و توفیق برنامه‌های تربیت حرفه‌ای در گرو استحکام و کیفیت آموزش‌های پایه و عمومی است. همچنین پایین بودن منزلت اجتماعی تربیت حرفه‌ای و گرایش عمومی جوانان برای ورود به دانشگاه و رواج فرهنگ کارمندی و پشت میز نشینی که از شرایط اقتصادی و بافت فرهنگی حاکم نشأت گرفته، به‌طور جدی موفقیت برنامه‌های تربیت حرفه‌ای را تهدید می‌کند. دانش‌آموزانی که وارد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌شوند، غالباً از طبقه پایین اجتماع بوده و از ویژگی‌های مطلوب (شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی) برخوردار نیستند و تعامل این وضع با کیفیت پایین برنامه‌های تربیت حرفه‌ای، به وخامت اوضاع می‌افزاید (همان).

تربیت حرفه‌ای در ایران با قدمت 165 ساله، از زمان تأسیس اولین هنرستان در تهران تاکنون با فراز و فرودهای فراوانی روبرو بوده است. برخی از این‌ها ناشی از تغییرات محیطی شامل فناوری و پیچیدگی در محل کار بوده است و برخی دیگر ناشی از تغییرات سیاسی و تصمیمات متأثر از همکاری‌های بین‌المللی که در هر قرارداد توسعه صنعتی برای تأمین نیروی انسانی تربیت حرفه‌ای متناسب آن وارد کشور شده است. همه‌ی این حرکات انجام شده نامتناسب نبوده، بلکه باید ادغان کرد که بسیاری از این همکاری‌ها بستر ساز حرکات بعدی چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن شده است. در این راستا آنچه که باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد تعیین مسیر همراه با ارتقاء است که متأسفانه به آن توجه نشده، از جمله آن‌ها تعیین ظرفیت تربیت حرفه‌ای بدون نگاه به ظرفیت‌های جذب و توسعه‌ی کشور بوده است. دست کم مقایسه‌ی سهم تربیت حرفه‌ای در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۷۱، ۱۳۵۸ این موضوع را روشن‌تر می‌کند (نفیسی، 1378).

در فعالیت‌های آموزشی پیشی گرفتن بر نیازها ضروری است؛ زیرا مانع عقب‌ماندگی و رکود پیشرفت همه‌جانبه جامعه می‌گردد. به همین لحاظ پیش‌بینی اوضاع و شرایط در چشم‌انداز قابل حصول و در آینده دور یا نزدیک ضروری است. می‌بایست نیازهای آینده جامعه برآورد شده و متناسب با اهداف پیش‌بینی شده اقدام به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نمود. به زعم حمیدزاده و فتحی واجارگاه (1388) اگر قرار باشد که محصولات برنامه‌های آموزشی، بر موقعیت‌های جدید منطبق یا مسلط شوند، چالش‌ها و چشم‌انداز آینده سازمان باید در مرحله نیازسنجی آموزشی تا حد امکان روشن و تبیین گردد. ظهور اقتصاد

دانش محور¹ در کشورهای صنعتی در دهه‌های آخر قرن گذشته و به دنبال آن در برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین نشان داد که سرمایه انسانی² نقشی محوری در توفیق این کشورها برای ورود به اقتصاد جدید ایفا نموده است؛ به علاوه می‌توان گفت که تربیت حرفه‌ای به دلیل توأم نمودن آموزش‌های نظری و عملی از توانایی زیادی در تشکیل سرمایه انسانی و تربیت کارگرانی دانش‌مدار³ برخوردار می‌باشد (سلیمی فر، 1384).

توجه به میزان افزایش علم در چند دهه اخیر نسبت به گذشته و حرکت شتابان جهان کنونی بر اساس دانش‌محوری، تصمیم‌گیران سازمان‌ها را ملزم به شناخت آینده و مطالعات آینده‌شناسی می‌کند. سازمان‌های آموزشی با توجه به نقش خطیر خود در زمینه تعلیم و تربیت نسل‌های آینده، نیازمند نگرش و توجه جدی به آینده نه تنها به منظور آمادگی برای بهره‌گیری از امکانات جدید، بلکه تلاش در زمینه ساختن آینده مطلوب هستند. ظهور مفاهیم جدید فرهنگی و اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی در حال تغییر و سرعت تغییرات که تابعی از تأثیر رشد فناوری‌های ارتباطی و همچنین اقدامات نهادهایی چون دولت، مجلس، گسترش ضریب نفوذ رسانه‌ها اعم از تصویری، نوشتاری و شنیداری در سطوح داخلی و خارجی است، کارایی این سازمان‌ها را با مسائل متنوع و پیچیده‌ای مواجه نموده است. افزون بر این انتظار جامعه در خصوص تربیت نیروی انسانی کارآمد، توانمند، با نشاط و متعهد به ارزش‌های مذهبی و ملی، ضرورت توجه به مسائل آینده را در نظام آموزشی دو چندان می‌کند (نفیسی، 1378).

مطالعات آینده از آنجا که فرصتی ساختاریافته برای نگاه به آینده و بررسی نقش عوامل مؤثر در ایجاد آینده فراهم می‌نماید، امکان ایجاد چشم‌انداز مطلوب برای تصمیم‌گیران و سیاستگذاران سازمان به وجود می‌آورد. افق‌های نوین از طریق شناسایی و ایجاد ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جدید، امکان بهره‌گیری از فرصت‌ها در زمان آینده را میسر می‌سازد. ضمن آن که با این رویکرد، مشکلات و نارسایی‌های ناشی از شرایط آینده قابل احصاء و رفع آنها امکان‌پذیرتر خواهد بود.

در راستای تحقق اهداف یادشده‌ی این پژوهش و روشن شدن ماهیت پژوهش باید پیشاپیش روشن گردد که آیا مفاهیم آینده‌پژوهی می‌توانند جایگاهی در تربیت حرفه‌ای داشته باشند و کدام بخش از آینده‌پژوهی با مباحث تربیت حرفه‌ای مرتبط است و اصولاً چه سنخ مفاهیم و آموزه‌هایی در تفکر آینده‌پژوهانه وجود دارد که با تربیت حرفه‌ای سازگاری و هماهنگی دارند؟

1. Knowledge base Economy
2. Human Capital
3. Knowledge-Worker

روش اجرای پژوهش

این مطالعه قصد دارد تأملی آینده‌پژوهانه بر تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران داشته باشد. بر این اساس، پرسش‌های اساسی پژوهش این است که اولاً، آینده‌پژوهی چه نقشی در کارایی تربیت حرفه‌ای کشور دارد؟ و ثانیاً، چگونه می‌تواند در تحقق اهداف این ساحت از تربیت ایفای نقش نماید؟

برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش، از روش نقادی تحلیلی استفاده شده است. بر این اساس، پژوهشگران، منابع و مراجع مربوط به اهمیت و ضرورت آینده‌پژوهی، هدف مطالعات آینده‌پژوهی، رویکردهای آینده‌پژوهی، روش‌ها و فنون آینده‌پژوهی را مورد بحث و بررسی قرار داده و سپس به برخی از موانع اصلی پیشرفت تربیت حرفه‌ای و راهکارهای عملیاتی در حوزه تربیت حرفه‌ای با نگاه به آینده برای نظام آموزشی اشاره کرده و نهایتاً به ارائه سناریوهایی برای آینده تربیت حرفه‌ای و نتیجه‌گیری پرداخته‌اند.

یافته‌ها (تجزیه و تحلیل)

1- اهمیت و ضرورت توجه به آینده‌پژوهی در تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران

با آینده‌پژوهی و شناخت ویژگی‌های محیط در آینده، ساختارهای مناسب برای ادامه فعالیت سازمان آموزش و پرورش کشور تعیین می‌گردد. اهمیت تأثیر محیط بر ساختار سازمان‌ها از آن جهت حائز اهمیت است که نیل به اهداف وابسته به ساختار مناسب برای فعالیت در محیط جدید است. دستیابی به کارآیی در آموزش و پرورش مستلزم رویکرد به تغییر و اعمال تغییرات مناسب با شرایط آینده است. یافته‌ها و تجربه‌ها در زمینه علوم نظری حکم می‌کند که سازمان‌ها همواره خود را با دگرگونی‌هایی که در اطرافشان اتفاق می‌افتد، سازگار کنند و منطبق با آنها پیش بروند (حمیدزاده و همکاران، 1388).

ایجاد ساختار مناسب آموزشی در مواجهه با ویژگی‌های محیط جدید مستلزم شناخت آینده است و بدون آن امکان ندارد. ضمن آن که سرعت تغییرات نیز پرداختن به آینده را در زمینه اهداف و مأموریت‌های آموزش و پرورش اجتناب‌ناپذیر نموده است. این سرعت ناشی از افزایش دانش محوری در زندگی بشر و توسعه و گسترش فناوری، همچنین بروز پدیده‌هایی همچون جهانی شدن است که خصایص فزاینده و تأثیرگذار دارند. در این میان آموزش و پرورش کشور در مواجهه با تغییرات، نیازمند تحولاتی در ساختار، قوانین و مقررات، روش‌ها، آیین‌نامه‌ها، شیوه‌نامه‌های اجرایی و محتوای مطالب آموزشی است (صفدری، 1391).

آینده‌پژوهی در تربیت حرفه‌ای به دلیل ارتباط آن با نسل در حال تربیت جامعه و تأثیر کارکرد آن بر کارایی سازمان‌ها در آینده و موفقیت سازمان‌های مختلف کشور در بلندمدت و همچنین مرجعیت آن در

تأمین نیروی انسانی متخصص و متعهد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آموزش متناسب با نیازهای حال و آینده جامعه و پرورش افرادی آگاه، توانمند، سالم، متعهد با نشاط و باانگیزه، از کار ویژه‌های نظام تربیت حرفه‌ای است. در فعالیتهای آموزشی و تربیتی، پیشی گرفتن بر نیازها ضروری است؛ زیرا مانع عقب ماندگی و رکود پیشرفت همه‌جانبه جامعه می‌گردد. به همین لحاظ پیش‌بینی اوضاع و شرایط در چشم‌انداز قابل حصول و در آینده ضروری است و می‌بایست نیازهای آینده جامعه برآورد شده و متناسب با اهداف پیش‌بینی شده اقدام به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی نمود (نادری، 1397).

از آنجا که آمیختگی امور و تأثیر تعامل حوزه‌های مختلف باعث ایجاد طیفی از نیازمندی‌های آموزشی در سطح دستگاه‌های مختلف کشور گردیده است، تأثیر رشد فناوری‌ها بر اقتصاد، سیاست، فرهنگ و سایر بخش‌ها با یکدیگر، آموزش و پرورش را با طیف گسترده‌ای از درخواست‌های متنوع حوزه‌های مختلف در آینده مواجه می‌کند. در سطح کلان تعیین اهداف و سیاست‌ها و همچنین طرح‌ریزی برنامه‌های آموزشی، وابسته به چشم‌اندازهایی است که از آینده ارائه می‌شود. بدیهی است چشم‌انداز مطلوب بایستی با در نظر گرفتن کلیه ابعاد، تهیه و تدوین شود. ضرورت پاسخ به مسائل آینده در سطح آموزش و پرورش، توجه و تمرکز به انواع رویکردهای مطرح در آینده‌پژوهی را اجتناب ناپذیر می‌نماید.

2- اهداف آینده‌پژوهی در تربیت حرفه‌ای

آینده‌پژوهی در تربیت حرفه‌ای کشور با رویکرد پاسخ‌گویی به نیازهای آتی کشور و تربیت نسل‌های آینده براساس آموزه‌های اسلامی در کلیه حوزه‌ها، می‌تواند اهداف متعددی را تعقیب نماید. با توجه به تأثیر و اهمیت تصمیم‌گیران و سیاستگذاران در تعیین چگونگی و نحوه فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، برخی از اهداف با رویکرد مذکور که می‌بایست مورد توجه قرار گیرند عبارتند از:

- تعریف آینده‌های مطلوب آموزشی: آمادگی برای ایفای نقش در آینده بدون ارائه تعریف شفاف از آن میسر نخواهد بود. ترسیم و تصویر محیط و شرایط آینده کشور با در نظر گرفتن اهداف و راهبردها، از طریق فعالیت‌های آینده‌پژوهی میسر می‌گردد. توجه به تغییرات و روند آن از مؤلفه‌های مهم در ترسیم وضع آینده خواهد بود.

- ارائه تصویری از وضعیت آینده فناوری و تأثیر آن بر فعالیت‌های آموزشی: رشد سریع علوم و فناوری موجب منسوخ شدن بسیاری از امکانات و تجهیزات مورد استفاده در آموزش‌ها گردیده است. مطالعه و پیگیری مستمر تغییرات فناوری و محصولات جدید با تلفیق و ترکیب آنها در راستای فعالیت‌های آموزشی امکان موفقیت‌یادگیری را افزایش خواهد داد. افزون بر این، ورود فناوری‌های

نوین ارتباطی و اطلاعاتی به زندگی بشری موجب سرعت تغییر شرایط و موقعیت‌ها در عصر حاضر شده که ضمن ایجاد پیچیدگی در روابط و تعاملات موجود، موجب اشتغال مداوم و مستمر مدیران و مسئولان سازمان‌های مختلف گردیده است. بدیهی است در این شرایط نمی‌توان تأثیر فناوری را در تحولات آینده و آسیب‌های احتمالی فرهنگی و اجتماعی نادیده گرفت. نیاز به مطالعه عمیق و اندیشه در این خصوص می‌بایست مد نظر مطالعات آینده‌پژوهی قرار گیرد (صفدری، 1391).

- برآورد و کشف موقعیت‌های جدید ناشی از تغییرات: با نگاه به آینده و عبور از چهارچوب‌های فکری موجود، نگرش به موضوع موقعیت‌ها نیز توسعه و گسترش می‌یابد. چه بسا بسیاری از تغییرات فعلی با این نگرش تبدیل به امکانی برای موفقیت بیشتر آموزش و پرورش گردد.

- زمینه‌سازی برای بهره‌برداری از فرصت‌های در حال ظهور در سطح آموزش و پرورش کشور.

- پیش‌بینی آسیب‌های فرهنگی و آموزشی ناشی از شرایط نوین.

- ایجاد انعطاف در ساختار و مأموریت‌ها با هدف کنترل آسیب‌های آینده.

- بازبینی راهبردها و اهداف سازمانی آموزش و پرورش.

- برآورد و تعیین نیازمندی‌های جدید آموزشی متناسب با آینده.

- اتخاذ موضع فعال مسئولان و تصمیم‌گیران آموزش و پرورش در مواجهه با شرایط آینده (همان).

به‌طور کلی برای این که دید وسیعی نسبت به آینده داشته باشیم (آینده‌نگری) باید آن را بشناسیم (آینده‌شناسی) و برای شناخت آن باید درباره آن مطالعه و تحقیق کنیم (آینده‌پژوهی)؛ به عبارت دیگر آینده‌پژوهی لازمی آینده‌نگری و آینده‌شناسی است. تلاش برای بررسی آینده بایستی نظام‌مند باشد تا تحت عنوان آینده‌پژوهی قرار گیرد. ضمن آن که این اقدامات باید به‌صورت درازمدت (35-5 سال) که به‌طور معمول فراتر از افق‌های برنامه‌ریزی است، انجام گیرد. آینده‌پژوهی یک فرایند شامل مشورت و تعامل بین جامعه علمی، سیاست‌گذاران و کاربران نتایج تحقیقات است. آموزش و پرورش کشور در پرتو مطالعات آینده‌پژوهی امکان شناخت عوامل مؤثر در تعیین شرایط و موقعیت‌های نوین را داشته و موجب تربیت کارآمد نیروی انسانی مورد نیاز کلیه بخش‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، دفاعی، صنعتی و تجاری می‌گردد.

آموزش، وابسته به چشم‌اندازی است که از آینده ارائه می‌شود. بدیهی است چشم‌انداز مطلوب بایستی با در نظر گرفتن کلیه ابعاد، تهیه و تدوین شود. ضرورت پاسخ به مسائل آینده در سطح آموزش و پرورش توجه و تمرکز به انواع رویکردهای مطرح در آینده‌پژوهی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

3- رویکردهای آینده پژوهی

آینده پژوهان برای مطالعه آینده، از سه رویکرد بهره می‌گیرند که هر رویکرد بنا بر نگرش و نیاز محققان در مطالعات آینده و مرتبط با موضوعات، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

الف) آینده پژوهی اکتشافی: با توجه به روندهای فعلی، آینده می‌تواند چگونه باشد؟ این رویکرد، نقطه عزیمت خود را «زمان حال» قرار می‌دهد و بر مبنای شواهد و روندهای موجود، به پیش‌بینی آینده‌های محتمل (وضعیت‌های محتمل آینده) می‌پردازد. روندیابی و سناریوسازی، از مهم‌ترین تکنیک‌ها در این رویکرد محسوب می‌شوند. پیش‌بینی روش مواجهه با آینده در این رویکرد است.

ب) آینده پژوهی هنجاری (تجویزی): با توجه به اصول، ارزش‌ها و هنجارهای ما، آینده باید چگونه باشد؟ این رویکرد، نقطه عزیمت خود را «آینده» قرار می‌دهد. آینده پژوهان هنجاری به‌طور مجازی به دنیای آینده سفر می‌کنند، در ایستگاه زمانی مورد نظر (10، 20 یا 30 سال دیگر) می‌ایستند، سپس عینک «ارزش‌ها و اصول بنیادی» را به چشم می‌زنند و از خود می‌پرسند که آینده مطلوب در این نقطه از زمان «باید» چگونه باشد؟ وقتی آینده مطلوب تعریف شد، آینده پژوهان به زمان حال مراجعت می‌کنند تا الزامات و راهکارهای تحقق آینده مطلوب را با توجه به شرایط موجود و احتمالات آینده، شناسایی نمایند. روش برخورد با آینده در این رویکرد آینه نگاری است (بل، 2003).

پ) رویکرد تصویرپردازی (آینده چگونه است؟): از این طریق آینده پژوهان عوامل و فرایندهای تغییر در حوزه‌های گوناگون مانند سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع را به منظور تحلیل، طراحی و مهندسی آینده، شناسایی می‌نمایند (بدرام، 1388).

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع پژوهش از رویکرد آینده پژوهی اکتشافی بهره گرفته شده است.

4- روش‌ها و فنون آینده پژوهی

به دلیل این که آینده هنوز به وقوع نپیوسته است، آینده پژوهان ناچارند برخی روش‌ها را که نوعاً با روش‌های علمی و سنتی برای مطالعه امروز و گذشته به کار می‌روند، برای تحلیل برگزینند. روش‌های علمی مربوط به مطالعه امروز و دیروز دارای اطلاعات موجود یا قابل ایجاد هستند، در حالی که مطالعات آینده از این امکان بی بهره است (خنیفیر، مسلمی، 1398: 150).

مطالعه روش‌های آینده پژوهی بیانگر وجود فنون و تکنیک‌های متعددی است که به نمونه‌ای از رایج‌ترین روش‌های آن اشاره می‌شود.

الف) دیده‌بانی آینده: دیده‌بانی به معنای زیر نظر داشتن یک حیطه خاص با هدف شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های آتی موجود در آن حیطه است. دیده‌بانی که یکی از ساده‌ترین و در عین حال مؤثرترین روش‌های آینده‌پژوهی است، نوعاً بر پایه بررسی نظام‌مند محتوای مطالب روزنامه‌ها، مجلات، پایگاه‌های اینترنتی و دیگر رسانه‌ها، به منظور کشف علامت‌های تغییرات صورت گرفته، انجام می‌شود و دارای نتایج ارزشمندی است (حق‌پناه، برخورداری، 1388: 115-98).

ب) روش استنتاج روند: تقاص روندهای گذشته به آینده در دوره‌های زمانی معین می‌پردازد و فرض بر این است که آینده تعمیم گذشته و حال است. در این روش پیش‌بینی‌کننده باید از عوامل مؤثر در ایجاد و تغییر در گذشته مطلع باشد و نسبت به تأثیر این فرایند روی وضعیت سیستم به همان سبک و شیوه در آینده اطمینان داشته باشد (خنیفر، مسلمی، 1398: 153).

پ) پایش روند: روندهایی که در یک جامعه، صنعت یا بخش مشخص اهمیت ویژه دارند، باید به دقت پایش شوند. به‌عنوان مثال، نرخ رو به رشد بیکاری یا ظهور یک بیماری جدید که می‌تواند آثار چشمگیری بر سازمان‌ها و جامعه داشته باشد.

ت) برون‌یابی روندها: در این روش آینده‌پژوهان می‌کوشند با رسم نمودار تغییرات روندها و استفاده از اطلاعات آماری و برون‌یابی نمودار، بر پایه نرخ کنونی، تغییرات آینده را پیش‌بینی کنند.

ث) توسعه و تحلیل سناریو: سناریو پیش‌بینی قطعی و دقیق جهان آینده نیست، بلکه توصیفی از رویدادهای ممکن و چندگانه است که امکان وقوع آنها در آینده وجود دارد. به بیان دیگر، سناریوها آمیزه‌ای از پیش‌بینی‌های تخیلی و در عین حال واقع‌گرایانه از رخدادهای احتمالی آینده هستند. با استفاده از سناریوها می‌توانیم درباره آنچه که باید بعدها انجام دهیم، به‌طور جدی بیندیشیم. در مواردی شاید بخواهیم از چنین رخدادهایی جلوگیری کنیم، در موارد دیگری شاید بخواهیم تمهیداتی برای وقوع آنها بیندیشیم و در مواردی هم شاید بخواهیم که وقوع آنها را تسریع نماییم.

ج) نظرخواهی و مشاوره: در این روش با استفاده از گفت‌وگو، مصاحبه و پرسش‌نامه، نظرات کارشناسان و افراد خبره نسبت به آینده جمع‌آوری می‌شود و با استفاده از روش‌های مختلف (مثلاً روش دلفی) پیش‌بینی‌های دقیق‌تری از آینده صورت می‌گیرد.

چ) مدل‌سازی: رویدادهایی را که ممکن است در جهان آینده رخ دهند، می‌توان به شیوه‌های گوناگونی تقلید و بازآفرینی کرد و از این طریق درک بهتری نسبت به آنها به دست آورد؛ مثلاً به کمک ماکت، مردم می‌توانند درک کنند که شهرهای آینده و ساختمان‌های آن چه شکلی خواهند داشت.

ح) **شبیه‌سازی یا بازی:** این مدل در واقع نمایش ایستایی از یک حالت معین است، اما مفهوم همزاد و پویای آن، شبیه‌سازی است. رزمایش‌های جنگی، در حقیقت نوعی شبیه‌سازی هستند که در آن فرماندهان جنگی می‌توانند راهبردها و تاکتیک‌های خود را در شرایطی نزدیک به واقعیت آزمایش کنند.

خ) **شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای:** نظام‌ها و سامانه‌های پیچیده، مانند اقتصاد کشور را می‌توان با استفاده از معادلات ریاضی و انتقال آنها به رایانه، شبیه‌سازی کرد. طبق این روش، اطلاعات مربوط به وضعیت موجود کنونی به رایانه داده می‌شود و رایانه، تغییرات حاصل را نمایش می‌دهد. رایانه بر اساس محاسبات، شبیه‌سازی بهتری انجام می‌دهد و نتایج دقیق‌تری ارائه می‌کند.

د) **تحلیل تاریخی:** مطالعه تحلیل تاریخی، به‌طور ضمنی مبتنی بر این گزاره است که گاهی تاریخ تکرار می‌شود. اگر چنین گزاره‌ای درست باشد که در بعضی موارد درست است، می‌توان یک یا چند موقعیت تاریخی مشابه را مقایسه کرد و از این رهگذر فهمید که سرانجام بعضی از وقایع چه خواهد شد.

ذ) **طوفان فکری:** قاعده کلیدی در طوفان فکری (هم‌اندیشی) این است که اعضای یک گروه، بدون هیچ گونه انتقاد یا موضع‌گیری، بر اساس ایده‌های دیگران در مورد یک موضوع خاص، ایده‌پردازی کنند. در این روش ایده‌های نو - از طریق تشکیل گروه‌های کوچک - با هدف تفکر خلاق درباره یک موضوع خاص تولید می‌شوند. این روش برای شناسایی امکان‌ها، فرصت‌ها و ریسک‌ها بسیار مفید است.

ر) **چشم‌انداز (دیدمان‌سازی):** از آنجا که آینده‌پژوهی فراتر از پیش‌بینی است، اکثر آینده‌پژوهان خواهان ابداع تصویرها و دیدمان‌هایی از آینده مطلوب برای ملت‌ها، سازمان‌ها یا افراد هستند. آینده‌پژوهان کار خود را با مرور رویدادهای گذشته و موقعیت کنونی آغاز کرده و سپس دیدمانی از آینده‌های مطلوب ایجاد می‌کنند و می‌کوشند تا راه‌های مشخص و خلاقانه‌ای برای شکل بخشیدن به چنین آینده‌هایی بیابند (عنایت‌الله، 2003). در این پژوهش نیز با توجه به ماهیت موضوع پژوهش که ترسیم دورنمای آینده از تربیت حرفه‌ای و ارائه سناریوهای مختلف از تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران است، از روش توسعه و تحلیل سناریو بهره گرفته شده است.

3-5- موانع اصلی پیشرفت تربیت حرفه‌ای

با توجه به بررسی و مطالعات صورت گرفته می‌توان موانع اصلی پیشرفت تربیت حرفه‌ای در ایران را به‌طور خلاصه این چنین بیان کرد:

1- برنامه‌های تربیت حرفه‌ای در کشور ما بدون اتکا به یک مبنای فلسفی و نظری روشن و مدون و تفاهم‌شده، اجرا می‌شوند و متولیان این آموزش‌ها از مبنای نظری مستحکمی تبعیت نمی‌کنند. به

همین دلیل، به ندرت اتفاق می‌افتد که یک اقدام برنامه‌ریزی شده، در چهارچوب برنامه بلندمدت و به‌طور مناسب اجرا شود. روشن است که نظریه‌پردازی بدون پژوهش امکان‌پذیر نیست و چون فرهنگ تصمیم‌گیری بر مبنای پژوهش در کشور ما نهادینه نشده است، غالباً تصمیم‌ها بدون توجه به مبنای نظری و اصول علمی گرفته می‌شوند و اکثر تصمیم‌ها از جامعیت، کفایت و تناسب برخوردار نیستند. به نظر می‌رسد در اثر ضعف مبانی نظری تربیت حرفه‌ای، این آموزش به‌عنوان بخشی از نظام یکپارچه آموزشی تعریف نشده است.

2- تربیت حرفه‌ای در سیر تکوینی خود با تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری مواجه گردیده که از مهم‌ترین آنها در چند دهه اخیر، جنبش اصلاحی دهه 1980 است که منجر به تغییراتی در برخی از نظام‌های آموزش و در نهایت به پدید آمدن «حرفه‌گرایی جدید» شد. حرفه‌گرایی جدید و دیدگاه‌های ناظر بر آن، رویکرد جدیدی در تربیت حرفه‌ای مطرح کرد که بر اساس آن آماده‌سازی فراگیری برای یک شغل خاص به رویکرد آماده‌سازی عموم جوانان برای سازگاری مؤثر با دنیای کار و مشاغل دانش‌محور تغییر یافت. زیرا تربیت افراد برای یک حرفه معین توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و در حال تغییر اقتصادی و اجتماعی را نداشت و از سوی دیگر محدود کردن توانایی‌های انتخاب افراد، انطباق آنها با تغییرات فناوری و در نتیجه آینده شغلی‌شان را در معرض خطر قرار می‌داد. با وجود این که «حرفه‌گرایی جدید» به‌عنوان تلاشی در جهت غلبه بر مشکلات و نارسایی‌های «حرفه‌گرایی سنتی» محسوب می‌شود، موج آن هنوز به ایران نرسیده و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌عنوان بخشی از نظام آموزش و مجزا از آموزش نظری و عمومی جریان دارد.

به نظر می‌رسد توفیق برنامه‌های آموزش تربیت حرفه‌ای در گرو استحکام و کیفیت آموزش‌های پایه و عمومی است. نگرش دانش‌آموزان نسبت به کار و تربیت حرفه‌ای و همچنین مهارت‌های اولیه در دوره آموزش عمومی شکل می‌گیرد. دوره آموزش عمومی می‌تواند بستر مناسبی برای کیفیت‌بخشی به تربیت حرفه‌ای فراهم سازد. با وجود این، محصول تعامل این دو نوع آموزش چندان رضایت‌بخش نیست و دانش‌آموزان، عموماً در زمینه مهارت‌های اصلی ضعف اساسی دارند و در اثر همین ضعف، حتی از گروهی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را نگذرانده‌اند برتری معناداری نشان نمی‌دهند و در اثر کیفیت نارسای آموزش و نیز عدم ارتباط منطقی میان بازار کار و مراکز تربیت حرفه‌ای سرنوشتی بیگانه با اهداف پیش‌بینی شده پیدا می‌کنند. این مشکل نه تنها به کیفیت پایین برنامه‌های تربیت حرفه‌ای، بلکه به ضعف

اساسی آموزش و پرورش عمومی قابل انتساب است. نظام اقتصادی حاکم بر کشور ما سرمنشأ و تبیین‌کننده بسیاری از مسائلی است که در حوزه تربیت حرفه‌ای پدیدار شده‌اند.

اختلال در نظام اقتصادی کشور، رواج اقتصاد مبتنی بر دگالی و غلبه آن بر اقتصاد تولیدی به تبع آن مستقل بودن کار و تلاش از رفاه شخصی و منزلت اجتماعی، موفقیت برنامه‌های تربیت حرفه‌ای را تهدید می‌کند. متکی بودن اقتصاد کشور به درآمد حاصل از فروش نفت خام و سایر منابع طبیعی و به تبع آن نظام گسیختگی موجود در بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی، می‌تواند ضعف برنامه‌های تربیت حرفه‌ای را توجیه کند و حتی جدیت و واقعی بودن نیاز کشور ما به توسعه تربیت حرفه‌ای را مورد تردید قرار دهد. در بسیاری از مطالعات داخل کشور به ناهماهنگی میان نیازهای جامعه و برنامه‌های تربیت حرفه‌ای، به‌عنوان یکی از موانع توسعه تربیت حرفه‌ای، اشاره شده است. اشتغال فارغ التحصیلان نظام تربیت حرفه‌ای در مشاغل غیر مرتبط با رشته تحصیلی و یا ناکافی بودن تناسب میان مهارت‌های کسب شده و وظایف شغلی افراد مورد نظر، به‌طور آشکار نشان می‌دهد که میان نظام‌های اشتغال و آموزش رابطه نظام‌مند و تعریف شده‌ای وجود ندارد (نادری، 1397).

6-3- موانع اصلی پیشرفت تربیت حرفه‌ای

ارائه راهکارهای عملی برای تربیت حرفه‌ای مبتنی بر روندهای آینده (چشم‌انداز، پیشنهادها):

الف) همگامی و پیوند دانش و تکنولوژی با آموزش: یکی از روندها و موضوعات مهم جامعه بشری پیشرفت چشمگیر علم و تکنولوژی و همچنین سرعت سرسام‌آور تکامل آن می‌باشد. این سرعت فوق‌العاده باعث شده که نظام تعلیم و تربیت با ساختار فعلی خود نتواند فاصله‌ای منطقی و متناسب با پیشرفت‌های علمی داشته باشد. با توجه به ارتباط میان علم و تکنولوژی و آموزش و پرورش به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های مهم تعلیم و تربیت در زمان حال و آینده حفظ فاصله معقول منطقی بین علم روز و آنچه در مدارس و مؤسسات آموزشی تدریس می‌شود، خواهد بود.

ب) ایجاد مهارت سازگاری با تغییر: یکی از چالش‌های اساسی انسان در آینده مواجهه و سازگاری با تغییرات است و در این راستا رسالت تربیت حرفه‌ای روشن است: افزایش قدرت مواجهه انسان با تغییرات بی‌در پی آینده به‌طوری که فرد بتواند خود را با این تغییرات مداوم انطباق دهد. البته منظور از انطباق این نیست که افراد به شیوه‌های کنش‌پذیر اجازه بدهند تغییرات، آنها را دگرگون سازد؛ بلکه دانش‌آموزان باید واجد مهارتی شوند که با تکیه بر ارزش‌های درونی خود، ظرفیت پذیرش هر گونه تغییر را داشته

باشند. در راه تحقق این هدف، نظام آموزشی باید ذهن دانش‌آموزان را برای پذیرش تغییر آماده سازد. برای ایجاد چنین مهارتی برنامه‌های درسی باید بتوانند تصاویر و پیش‌فرض‌هایی درباره موضوعات مختلف آینده از جمله مشاغل و حرفه‌های مورد نیاز، الگوهای کاری آینده، اشکال جدید روابط خانوادگی و اجتماعی، مسائل اخلاقی و غیره را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند. در این زمینه نقش معلم نیز بسیار حائز اهمیت است؛ او باید این موضوع را برای شاگردان خود تبیین نماید که افراد آینده‌نگر بهتر می‌توانند خود را با تغییرات هماهنگ نمایند.

پ) تلفیق رشته‌های دانش و گسترش آموزش میان‌رشته‌ای: برنامه‌های آموزشی مدارس مدت‌های زیادی بر اساس تفکیک رشته‌های آموزشی قرار داشته‌اند. این نوع تفکر از این پیش‌فرض نشأت می‌گیرد که برای درک بهتر علوم باید آنها را به واحدهای مجزا و قابل فهم تفکیک کرد تا تدریس و تفهیم آنها با سهولت بیشتری انجام پذیرد. به نظر می‌رسد با توجه به پیشرفت علوم و تکنولوژی هنگام آن فرارسیده که دانش‌ها به صورت ترکیبی مطالعه گردند تا سرعت عمل و کارایی علوم ارتقاء یابد. بدین منظور باید در برنامه‌های مؤسسات آموزشی تجدید نظر شود و معلمانی تربیت شوند که خود را در تخصص‌های خاصی جیس نکنند و راه‌های پیوند میان‌رشته‌ای را جست‌وجو نمایند.

ت) گسترش آموزش مادام‌العمر: در عصر فرا صنعتی آموزش مادام‌العمر به صورت یک ضرورت در آمده است. دگرگونی سریع در عرصه تکنولوژی، بدین معناست که مهارت‌های کاری نیز به سرعت تغییر می‌کنند. با یک نظام آموزش مادام‌العمر، دیگر مجبور نخواهیم بود که کلیه دانش‌هایی را که برای کسب موفقیت در زندگی ضرورت دارد، در سال‌های آموزشی رسمی بگنجانیم. مهم آن است که دانش آموختگان، مدارس را پس از فراگیری مهارت‌های پایه ترک گویند و در تمام طول عمر جوینده علم و مستعد یادگیری مداوم باقی بمانند. به هر حال برای جبران فاصله‌ای که هم اکنون بین یافته‌های علمی و برنامه‌های نظام آموزشی وجود دارد، یکی از راهکارهای مناسب گسترش آموزش مادام‌العمر است.

ث) تعمیم و تسهیل تعلیم و تربیت به کمک فناوری اطلاعات (IT): در میان فناوری‌های جدید در دوران معاصر، فناوری اطلاعات و مزایای غیر قابل انکار آن، بیشترین تأثیر را بر جوامع بشری داشته است. در رابطه با موضوع تکنولوژی اطلاعات و آموزش و پرورش یک ارتباط دو جانبه را می‌توان متصور شد. از یک طرف تکنولوژی اطلاعات به کمک روش‌ها و امکانات جدید خود می‌تواند بسیاری از مشکلات کنونی و آینده آموزش و پرورش را مرتفع نماید و از طرف دیگر آموزش و پرورش می‌تواند هم در آموزش و انتقال مهارت‌های مورد نیاز و هم در پذیرش و کاربرد آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

ج) ایجاد مهارت تفکر انتقادی در دانش‌آموزان: با ورود به عصر اطلاعات به دلیل تحول و تغییر سریع یافته‌های علمی و عدم قطعیت معارف علمی، نه امکان آموزش و یادگیری همه یافته‌های علمی حتی در یک رشته خاص وجود دارد و نه ضرورتی در این زمینه احساس می‌شود. به همین دلیل متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان درسی به جای انتقال حقایق علمی، پرورش و تقویت تفکر انتقادی را توصیه می‌کنند. یعنی به جای تولید مجدد حقایق علمی، فرایند آموزش مورد توجه فراگیران قرار گیرد. یکی از راه‌های شناخته شده پرورش تفکر انتقادی استفاده از روش مباحثه گروهی و مناظره در کلاس است. مدارس باید از طریق ارجحیت بخشیدن به روش مباحثه و بحث گروهی در کلاس چنان اندیشه و تفکر دانش‌آموزان را به تحرک وادارند تا شاگردان بتوانند عقاید را از حقایق، سفسطه را از استدلال منطقی و شایستگی را از عدم شایستگی تشخیص دهند. به عبارت دیگر دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که معمار تعلیم و تربیت خود باشند.

یکی دیگر از راه‌های پرورش تفکر انتقادی استفاده از برنامه درسی مسأله‌محور است. روش حل مسأله چنانچه با کار گروهی همراه شود، سبب خواهد شد که مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان در کلاس درس به صورت کنش متقابل در جوی فعال تقویت گردد.

چ) استفاده از فناوری اطلاعات (IT) در آموزش: امروزه به نظر می‌رسد یادگیری در قالب بهره‌گیری از روش‌های آموزشی بر پایه سخنرانی معلمان، به خستگی، فرسودگی و نارضایتی شاگردان انجامیده است. این در حالی است که پدیده‌های چون شبکه جهانی اینترنت و بانک‌های اطلاعاتی این فرصت را در اختیار همه افراد جامعه قرار داده تا به راحتی از جدیدترین دانش‌ها و اطلاعات آگاهی یابند. فناوری اطلاعات در کشورهای توسعه یافته سال‌هاست که وارد مدارس شده است. کشورهای در حال رشد نیز باید با تأمین زیر ساخت‌ها و دانش و بودجه مورد نیاز، مدارس را به فناوری‌های روز مجهز نمایند. از جمله نکات مثبت این نوع آموزش می‌توان به رشد کیفیت آموزش و پرورش، کاهش هزینه‌ها و امکان‌پذیر شدن آموزش‌ها و ایجاد مدارس مجازی اشاره کرد که همه این موارد باعث افزایش راندمان‌های آموزشی خواهد شد. آموزش و پرورش جمهوری اسلامی نیز می‌تواند از این امکان جدید آموزشی به‌عنوان یک فرصت مناسب برای بهبود کیفیت خود بهره گیرد. شکستن مرزهای زمانی و مکانی از خصایص آموزش‌های الکترونیکی است که خود فوایدی را نصیب نظام آموزشی ما می‌کند، از جمله گسترش فعالیت‌های آموزشی همزمان در کشور، انتقال سریع اطلاعات در تمامی مدارس به صورت آن‌لاین، حذف روش‌های کم بهره آموزشی (روش‌های سنتی معلم محور).

ح) **ایجاد بینش جهانی در ذهن دانش‌آموز:** جهانی شدن به‌عنوان یک فرایند گریزناپذیر در قرن بیست و یکم در ابعاد سه‌گانه خود (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) نظام تربیت حرفه‌ای را دستخوش تغییر و تحول می‌کند؛ از این رو شناسایی ویژگی‌ها و آثار این فرایند بر تربیت حرفه‌ای (به عبارتی جهانی شدن تعلیم و تربیت) یکی از وظایف اصلی هر نظام تعلیم و تربیت و از جمله نظام آموزش و پرورش ایران است. در این میان می‌توان به پیامدهای اقتصادی جهانی شدن برای نظام آموزش و پرورش از جمله توجه بیشتر بر تربیت حرفه‌ای و استفاده بیشتر از تکنولوژی اطلاعات و پیامدهای بعد سیاسی جهانی شدن از جمله کمرنگ شدن نظارت و تسلط دولت و حکومت بر نظام تعلیم و تربیت و پیامدهای فرهنگی جهانی شدن از جمله ترویج فرهنگ غرب و کمرنگ شدن ویژگی‌های بومی و به مخاطره افتادن هویت ملی و ارزش‌های دینی در برنامه‌های درسی مدارس اشاره کرد.

7-3- ارائه سناریوهایی برای آینده تربیت حرفه‌ای

الف) بومی‌سازی تربیت حرفه‌ای بر مبنای فلسفه داخلی: همان‌طور که مطالعات تاریخی نشان داد، تا کنون نظام تربیت حرفه‌ای در ایران بر مبنای فلسفه‌هایی بوده است که با فرهنگ ایرانی اسلامی همخوانی نداشته است و همواره به دنبال اتفاقات سیاسی و اقتصادی، طرح‌هایی بدون پشتوانه فرهنگ ایرانی اسلامی اجرا شده‌اند و توفیقات چندانی نیز به دست نیاورده‌اند. بنابراین بومی‌سازی تربیت حرفه‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های بومی ایرانی و اسلامی می‌تواند میزان موفقیت طرح‌های تربیت حرفه‌ای را در نظام آموزشی ایران بیشتر کند.

ب) تأکید بر تربیت حرفه‌ای در دوره آموزش عمومی نظام آموزش و پرورش: با توجه به این که دوره آموزش عمومی نقش و تأثیرگذاری بسیار زیادی در شخصیت، علائق، نگرش‌ها و افکار دانش‌آموزان دارد، توجه به تربیت حرفه‌ای در این دوره و گنجانیدن مفاهیم اقتصادی و حرفه‌ای، مثل توجه به مفاهیمی همانند کارآفرینی، حرفه، بازار، شغل، تولید، پیشرفت، استقلال، درآمد در محتوای آموزشی دروس دوره ابتدایی می‌تواند باعث تقویت نگرش مثبت خانواده‌ها و دانش‌آموزان و جامعه به تربیت حرفه‌ای گردیده و همچنین باعث تشویق خانواده‌ها برای دادن انگیزه به فرزندانشان جهت ورود به این رشته و در پی آن ورود به بازار و موفقیت در آن می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

به قول تافلر آینده به ما «می‌تازد» پس باید برای رویارویی با آن آماده بود. تربیت حرفه‌ای باید این آمادگی را تدارک ببیند. جهان پیچیده امروز، آموزش و پرورش را طلب می‌کند که بتواند متناسب و منعطف با این پیچیدگی‌ها، پاسخ‌گوی نیازهای جامعه باشد. برای پاسخ‌گویی به این مهم نیازمند ابزاری هستیم که بتواند به راحتی در میان این پیچیدگی‌ها، حرکت و مسیر را تسهیل نماید. آموزش بهترین ابزار برای این کار است، از آنجا که آموزش از طریق برنامه درسی معنا و مفهوم می‌یابد، باید با بررسی و بازنگری مداوم، تلاش شود که برنامه درسی با غنای کامل و علمی خود بتواند به تمام نیازهای کنونی و دگرگونی‌های پرشتاب آینده پاسخ دهد. برای دست یافتن به هدف مورد نظر، باید قبل از تلاش فیزیکی یا اقدام به انجام کار، تلاش ذهنی یا برنامه‌ریزی کافی صورت بگیرد.

همچنین تغییر برنامه درسی همگانی‌ترین و معمولی‌ترین مفهومی است که در مورد کلیه تغییرات جانشین‌ها و بدیل‌های آموزشی، تدریس یا شرایط آموزشی به کار می‌رود. به‌عنوان یک مفهوم و اصطلاح همگانی در کاربرد آن برای تغییر در هدایت برنامه درسی تا حدودی ابهام و گستردگی به چشم می‌خورد. ضمن آن که در بعضی مواقع نیز خیلی روشن برای توصیف یک تغییر خاص به کار برده می‌شود. مدرسه کارگزار اصلاحات آموزشی و نهایتاً اصلاحات اجتماعی است و محدودیت توان آن در دگرگون کردن جامعه به محدودیت‌های تصورات ما و دشواری‌های دستیابی به توافق جمعی مشروط است.

آینده‌پژوهی در تربیت حرفه‌ای به دلیل ارتباط آن با نسل در حال تربیت جامعه و تأثیر کارکرد آن بر کارایی سازمان‌ها در آینده و موفقیت سازمان‌های مختلف کشور در بلندمدت و همچنین مرجعیت آن در تأمین نیروی انسانی متخصص و متعهد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آموزش متناسب با نیازهای حال و آینده جامعه و پرورش افرادی آگاه، توانمند، سالم، متعهد، با نشاط و انگیزه، از کار ویژه‌های تشکیلات آموزش و پرورش است. در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، پیشی گرفتن بر نیازها ضروری است. برآوردهای آموزشی و درسی نباید صرفاً براساس حدس و گمان استوار باشد؛ بلکه باید نتیجه یک فرایند جدی، عقلانی، تحقیقات بی‌طرفانه، فعالیت دقیق علمی، داده‌ها، شواهد و قرائن، تجزیه و تحلیل عینی و نه صرفاً بر اساس مدل‌های ذهنی و ظنی یا شهودی پژوهشگر باشد.

پیش‌بینی و تخمین یا احتمال‌سازی، به‌عنوان راهکار دیگر مطرح است. نیازسنجی آموزشی و تربیتی جامعه و انعکاس آن به مدیران عالی آموزش و پرورش از کار ویژه‌های مطالعات آینده است. تأثیر رشد فناوری‌ها بر اقتصاد، سیاست، فرهنگ و سایر بخش‌ها با یکدیگر، آموزش و پرورش را با طیف گسترده‌ای از درخواست‌های متنوع حوزه‌های مختلف در آینده مواجه می‌کند. ضرورت پاسخ به مسائل

آینده در سطح آموزش و پرورش توجه و تمرکز به انواع رویکردهای مطرح در آینده‌پژوهی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. آینده‌پژوهی در سازمان آموزش و پرورش کشور با رویکرد پاسخ‌گویی به نیازهای آتی کشور و تربیت نسل‌های آینده براساس آموزه‌های اسلامی در کلیه حوزه‌ها، می‌تواند اهداف متعددی را تعقیب نماید.

استفاده از اینترنت در کلاس‌های آینده، ضرورتاً مستلزم تسلط معلمان به زبان انگلیسی و مهارت‌های کامپیوتر است. بنابراین آموزش و پرورش از حیثه‌های عمل خارج خواهد شد و همه مراکز، در زمینه آموزش، مشارکت می‌نمایند. انتظار می‌رود مفاهیم کارکردهای (وظایف) معلم دوره متوسطه تغییر یابد. از آنجایی که خانه‌ها روز به روز به وسایل و مواد خواندنی بهتر و جالب‌تر مجهز می‌شوند، و از آنجایی که کتابخانه‌های عمومی، موزه‌ها، گالری‌های هنری و سایر منابع اجتماع محلی امکان دسترسی بیشتری برای فعالیت‌های یادگیری فراهم می‌کنند، در آینده، آموزش و پرورش از انحصار معلم و کلاس درس خارج می‌شود و نقش معلم در آینده، در ارائه و انتقال اطلاعات کمتر خواهد بود، بلکه بیشتر به صورت راهنمایی یادگیرنده به سوی کسب منابع اطلاعات خواهد بود.

نتایج این پژوهش نشان داد که آینده تربیت حرفه‌ای ناظر به تأکید بر چستی و چرایی یادگیری به جای تأکید بر چگونگی آن، انجام پژوهش‌های بنیادین به منظور استقرار نظام آموزشی کارآمد تربیت حرفه‌ای، توانایی ایجاد عملکرد مهارتی دانش‌آموزان از طریق تقویت مهارت‌هایی نظیر توانایی کار با گروه، تقبل رهبری در موقع لزوم، کمک به گسترش شناخت دقیق دانش‌آموزان، از طریق تعامل با ابزارها، منابع و روش‌های شناخت، ایجاد تغییرات اساسی در برنامه‌های درسی دانش‌آموزان، تأکید بر جایگاه پیوند دانش، مهارت و تخصص همراه با آزاداندیشی و نقد علمی از طریق زمینه‌سازی برای رشد افکار و آراء مستقل در کنار استفاده از خرد جمعی، تجدید نظر دائمی در اهداف، برنامه‌ها و سیاست‌های تربیت حرفه‌ای و تحول در برنامه‌های تربیت حرفه‌ای به لحاظ هدف، محتوا و روش و ارزیابی مداوم دانش و مهارت دانش‌آموزان استوار است.

منابع

- قرآن کریم (1379). ترجمه الهی قمش‌های. انتشارات گلی.
- باقری، خسرو (1377). «تربیت حرفه‌ای در بستر دیدگاه اسلام». فصل‌نامه حوزه و دانشگاه. شماره: 14 و 15.
- پدرام، عبدالرحیم (1388). آینده‌پژوهی. تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

- تافلر، الوین (1373). موج سوم، مترجم شهیندخت خوارزمی. تهران: نشر نو
- حقیق‌پناه، پژمان و نفیسه برخوردار (1388). نقش تحلیل استراتژیک باز در سناریوپردازی آینده‌نگاری نوآوری، هشتمین مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن. تهران: انجمن تخصصی مراکز تحقیق و توسعه صنایع معادن.
- حمیدزاده، محمدصادق و کوروش فتحی واجارگاه (1388). «آینده‌نگری در نظام‌های آموزشی با رویکرد سازمانی». نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دوره: 2، شماره: 1، جلد: 2، شماره: 1.
- خلافی، علی اصغر (1388). الگوی نظری برای ساحت تربیت حرفه‌ای و اقتصادی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، کمیته مطالعات نظری، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- خنیفر، حسین (1392). آینده‌پژوهی از دانش تا روش. تهران: دانشگاه تهران، پردیس فارابی، جزوه درسی دکتری.
- خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (1398). روش‌های پژوهش کیفی، جلد دوم، رویکردی نو و کاربردی. تهران: انتشارات نگاه دانش.
- خوش دهان، علی (1388). آینده‌پژوهی با تکنیک سناریوسازی. تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- دشتی، محمد (1380). ترجمه نهج البلاغه. قم: نشر منتظران قائم.
- سلیمی‌فر، مصطفی و سعید مرتضوی (1384). «سرمایه انسانی و کارآفرینی در رویکرد فنی و حرفه‌ای (مطالعه موردی خراسان)»، مجله دانش و توسعه، شماره: 17.
- صفدری، مژگان (1391). ضرورت توجه به آینده‌پژوهی در آموزش و پرورش کشور. دوشنبه 11 بهمن 1395، قابل دسترس در: <https://www.siasatrooz.ir/vdch6-nq.23nimdfit2>
- علیزاده، عزیز؛ وحید وحیدی‌مطلق و امیر ناظمی (1387). سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها، تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- نادری، مهدی (1397). بررسی روند تحول مبانی فلسفی تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران. رساله دکتری فلسفه تعلیم و تربیت. دانشگاه فردوسی مشهد.
- نفیسی، عبدالحسین (1378). بررسی نارسایی‌های ارتباط نظام‌های آموزش و پرورش و بازار کار و ارائه راه حل‌های اصلاحی. تهران: انتشارات مدرسه.
- وحیدی‌مطلق، وحید (1389). مبانی آینده‌پژوهی و پیش‌بینی‌هایی برای سال آینده، تهران: اندیشه‌پردازان شریف.
- یاراحمدی خراسانی، مهدی (1396). چالش‌های آینده‌پژوهی با تأکید بر ضرورت آن در آموزش و پرورش کشور، سایت جامع مدیریار، قابل بازیابی از سایت <http://athir.blogfa.com/post/6353>
- Bell, Wendell (2003). *Foundations of Futures Studies*. New runswick (USA) and London (UK), Transaction Publishers.
- Inayatullah, Sohail (2007). *Questioning the future*, Tamkang university Taiwan.

Futuristic Reflection on Vocational Training in the Iranian Educational System

Ali Sohbatlo¹, Mehdi Naderi²

Abstract

Vocational training in Iran is in short supply especially in the field of basic and applied research, which means the application of theories in the field of practice. Therefore, it is obvious that these problems have prevented the future of vocational training in the country. To the extent that it is not possible to provide an analysis of it close to the target point. Given this limitation and the emphasis of the study on the review of existing research and documents, the author decided to include all sources related to vocational training in the form of research, review of literature, articles, books, international recommendations. To study the experiences of professional training of other countries (historical view) critically-analytically and to examine its results. It was concluded that the formal vocational education system in Iran has a high level of concentration in terms of implementation, school-oriented and planning.

Keywords: Futurism, Professional Training, Educational System

-
1. Assistant Professor, Educational Group, Farhangian University, Tehran, IRAN. Corresponding Author, alisohbatlo@gmail.com
 2. PhD in Philosophy of Education, Lecturer at Farhangian University, Tehran, IRAN.